

**Managerial overconfidence in overestimating financial restatements:
Evidence from Tehran Stock Exchange**

Javad Moradi*

Mohammad Hossein Ghadirian-Arani**

Introduction

"Managerial overconfidence is defined as a predisposition to project more positive outcomes or overestimate the probability of outcomes" (Malmendier and Tate, 2005). Presley and Abbott (2013) argue that "overconfident CEOs may be providing unjustifiably optimistic assurances about the results of operation and financial position of firm". Overconfident CEOs believe that the overly-aggressive accounting positions are really realizable on an ex ante basis. That is, firms with overconfident CEOs are more probable to make unattainable accounting estimates. Accordingly, it is expected that in firms with overconfident CEO, there may be a higher occurrence of financial restatements when these already financial reporting decisions do not come to true realization.

In sum, financial reporting requires the use of estimates and assumptions. On the other hand, managerial overconfidence is a significant factor that can influence the accounting estimates, financial reporting quality, and financial restatement. Although in Iran most financial restatements are not forced, most Iranian firms restate their financial statements (Khajavi and Ghadirian Arani, 2014; Khajavi and Ghadirian Arani, 2015). Consequently, the objectives of this study are twofold. First, this study investigates the impact of managerial

* Assistant Prof. of Accounting, Shiraz University

** PhD Candidate of Accounting, corresponding author, ghadirian.a.88@gmail.com

overconfidence on occurrence of material financial restatements. Second the study objective is to examine if managerial overconfidence has significant impact on magnitude of financial restatements among Iranian listed firms in Tehran Stock Exchange (TSE).

Hypotheses

Based on the preceding theoretical framework regarding the effect of managerial overconfidence on financial restatement, research hypotheses were developed as follows:

H1: There is a positive relationship between managerial overconfidence and incidence of material financial restatement.

H2: There is a positive relationship between managerial overconfidence and magnitude of financial restatement.

Methods

Our study is a quantitative research that uses the scientific method and empirical evidence. The empirical data was collected from a panel consisting of 138 nonfinancial firms listed in the TSE, over the seven-year period of 2007 to 2013. Magnitude of restatement is measured using the amount of net income restatement. The over-investment is selected as a managerial overconfidence measure. Logit and multivariable linear regression analysis were used to test the hypotheses on a panel data model. EViews 8 software was used to run the tests.

Results

The results of the analysis of regression models show that over-investments are not related to occurrence of material restatement and magnitude of restatement. In other words, managerial overconfidence has no significant impact on financial restatement.

The findings of research concerning control variables indicate that profitability not only negatively influences incidence of material financial restatement, but also is negatively related to magnitude of financial restatement. However, leverage and firm size have no significant impact on incidence of material financial restatement and magnitude of financial

restatement.

Discussion and Conclusion

The main findings of this study indicate that there is no relationship between managerial overconfidence and financial restatement. In other words, this behavioral characteristic of management has no impact on financial restatement of Iranian firms. This result is inconsistent with Presley and Abbott (2013) and Schranda and Zechman's (2015) findings and with the conceptual model regarding the effect of managerial overconfidence on financial restatement. Additionally, these findings are indirectly inconsistent with prior studies regarding the effects of managerial overconfidence on accounting conservatism (e.g. Ahmed and Duellman, 2013; Hwang et al., 2014; Ramshe and Molanazari, 2014; Foroughi and NokhbeFallah, 2014).

Our findings show that financial performance negatively affects financial restatement. Based on these findings, it can be concluded that managers of poor-performance firms, regardless of their future performance and its estimation, prepare financial reports and eventually forced to restate them. Lack of market reaction to the restatement of financial statements as an inverse measure of the financial reporting quality is the probable reason for this manager's action. In other words, poor-performance firms, irrespective of the overconfidence level of their management, use restatement of financial statements as a cover for poor financial performance.

Keywords: Managerial Overconfidence, Financial Restatement, Over-Investment, Management Behaviour.

مجله‌ی پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز
دوره‌ی نهم، شماره‌ی اول، بهار و تابستان ۱۳۹۶، پیاپی ۷۲/۳، صفحه‌های ۱۷۲-۱۹۷
(مجله‌ی علوم اجتماعی و انسانی پیشین)

بیش‌اعتمادی مدیریت و تجدید آرائه‌ی صورت‌های مالی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران

دکتر جواد مرادی* محمدحسین قدیریان آران‌ی**

دانشگاه شیراز

چکیده

بیش‌اعتمادی مدیریت به‌عنوان یکی از ویژگی‌های رفتاری مدیران، می‌تواند بر کیفیت گزارشگری مالی و در نتیجه تجدید آرائه‌ی صورت‌های مالی تأثیرگذار باشد. با توجه به فراوانی موارد تجدید آرائه‌ی صورت‌های مالی شرکت‌های ایرانی، هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر بیش‌اعتمادی مدیریت بر تجدید آرائه‌ی صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در این راستا، اطلاعات ۱۳۸ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه‌ی زمانی ۱۳۹۲-۱۳۸۶ بررسی شده است. سرمایه‌گذاری بیش‌ازحد در دارایی‌ها به‌عنوان سنجه‌ای از بیش‌اعتمادی مدیریت به‌کاررفته است. رگرسیون لجستیک و رگرسیون خطی چند متغیره با روش داده‌های ترکیبی برای آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که بیش‌اعتمادی مدیریت با رخداد تجدید آرائه‌ی با اهمیت صورت‌های مالی و شدت آن رابطه‌ی معناداری ندارد. به‌بیان دیگر این ویژگی رفتاری مدیریت بر رخداد تجدید آرائه‌ی با اهمیت و شدت تجدید آرائه‌ی صورت‌های مالی اثرگذار نیست.

کلیدواژه‌ها: بیش‌اعتمادی مدیریت، تجدید آرائه‌ی صورت‌های مالی، سرمایه‌گذاری بیش‌ازحد در دارایی‌ها، رفتار مدیریت.

* استادیار بخش حسابداری

** دانشجوی دکتری حسابداری (نویسنده مسئول) ghadirian.a.88@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۲/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۵/۱۵

۱. مقدمه

جریان درست اطلاعات در بازار سرمایه، به‌عنوان موتور محرکه‌ی اقتصاد، منجر به تصمیم‌گیری صحیح و منطقی از سوی مشارکت‌کنندگان می‌شود و سرانجام توسعه‌ی اقتصادی و بهبود رفاه اجتماعی را به ارمغان می‌آورد. گزارشگری مالی به‌عنوان یک از اصلی‌ترین ابزارهای ارتباطی بین یک شرکت با گروه‌های مختلف ذی‌نفع در آن است (آن، ۲۰۰۹)؛ بنابراین شفافیت اطلاعاتی و ارائه‌ی اطلاعات صحیح و به‌موقع توسط شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار، یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر دستیابی به یک بازار سرمایه‌ی کاراست (فاستر، ۱۹۸۶). مدیریت شرکت در گزارشگری مالی نقش مهمی ایفا می‌کند (کوهن، ۲۰۰۲؛ کونلی، ۲۰۰۵؛ کوهن و همکاران، ۲۰۰۸؛ و کارسلو و همکاران، ۲۰۱۱). به‌بیان‌دیگر ویژگی‌های مدیریت تأثیر زیادی بر نحوه‌ی تصمیم‌گیری‌های آن‌ها پیرامون گزارشگری مالی و در نتیجه کیفیت این گزارش‌ها دارد. بیش‌اعتمادی مدیریت یکی از این ویژگی‌هاست که در پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه کمتر مورد توجه قرار گرفته است. مدیران بیش‌اعتماد^۱ به خود، نوعی سوگیری خوش‌بینانه در فرایند تصمیم‌های گزارشگری دارند که به احتمال زیاد به ارائه‌ی اشتباه در صورت‌های مالی (شراند و زچمن، ۲۰۱۲) و سرانجام تجدید ارائه‌ی^۲ آن‌ها منجر خواهد شد. تاکنون پژوهش‌های اندکی پیرامون نقش بیش‌اعتمادی مدیریت به‌عنوان یکی از ویژگی‌های رفتاری مدیران در کیفیت گزارشگری مالی، ارائه‌ی اشتباه گزارش‌ها و تجدید ارائه‌ی صورت‌های مالی انجام‌شده است (به‌عنوان نمونه شراند و زچمن، ۲۰۱۲؛ پرسلی و ابوت، ۲۰۱۳) که نشان‌گر اثرگذاری این ویژگی مدیریت بر ارائه‌ی اشتباه و تجدید ارائه‌ی صورت‌های مالی است. اگرچه در ایران تجدید ارائه‌ی اجباری صورت‌های مالی از سوی سازمان بورس و اوراق بهادار وجود ندارد، اما یکی از پدیده‌های بسیار رایج در بین شرکت‌های ایرانی است. در نتیجه این پرسش مطرح می‌شود که آیا بیش‌اعتمادی مدیریت بر تجدید ارائه‌ی صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر می‌گذارد؟

تردید استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی نسبت به جایگاه گزارشگری مالی و فرایند حسابرسی (تامسون و لارسون، ۲۰۰۴) و کاهش اعتماد جامعه به اظهار نظر حسابرسان (نیکبخت و رفیعی، ۱۳۹۰)، تغییرات هیئت‌مدیره و حسابرس (گرتسن و همکاران، ۲۰۰۶)،

واکنش منفی بازار (دیوان محاسبات امریکا^۳، ۲۰۰۲؛ ریچاردسون و همکاران، ۲۰۰۲؛ پالمرز و همکاران، ۲۰۰۴؛ اخیج و همکاران، ۲۰۰۵) و افزایش هزینه‌ی سرمایه‌ی شرکت‌ها (هریبار و جنکینز، ۲۰۰۴) برخی از پیامدهای منفی ارائه‌ی مجدد صورت‌های مالی هستند؛ بنابراین پژوهش در زمینه‌ی عوامل مؤثر بر این پدیده از اهمیت فراوانی برخوردار است. با توجه به مطالب پیش‌گفته هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر بیش‌اعتمادی مدیریت به‌عنوان یکی از ویژگی‌های رفتاری مدیران، بر تجدید ارائه‌ی صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در ادامه‌ی مقاله، پس از مرور مبانی نظری و پیشینه، فرضیه‌های پژوهش تبیین می‌شود. سپس روش پژوهش، توصیف و یافته‌های تجربی آزمون فرضیه‌ها ارائه می‌شود. در نهایت با توجه به این یافته‌ها نتیجه‌گیری، پیشنهادها و محدودیت‌های پژوهش بیان می‌شود.

۲. مبانی نظری پژوهش

۲-۱. تجدید ارائه‌ی صورت‌های مالی

اگرچه تجدید ارائه‌ی صورت‌های مالی، پدیده‌ی جدیدی نیست، اما به دلیل وجود رویه‌های جسورانه‌ی حسابداری، بی‌نظمی‌های حسابداری یا تقلب، تعداد و مبلغ تجدید ارائه‌ی سود شرکت‌ها در طول سال‌های اخیر به‌طور چشم‌گیری افزایش یافته است؛ بنابراین توجه بسیاری از سرمایه‌گذاران، تحلیل‌گران و تدوین‌کنندگان مقررات به موضوع تجدید ارائه جلب شده است (ویو، ۲۰۰۲). تجدید ارائه‌ی سود و سایر اطلاعات مالی سال‌های گذشته‌ی شرکت‌ها به علت اشتباهات ناشی از محاسبات ریاضی، اشتباهات در به‌کارگیری رویه‌های حسابداری و همچنین تعبیر نادرست یا نادیده گرفتن واقعیت‌های موجود در زمان تهیه‌ی صورت‌های مالی ضرورت پیدا می‌کند^۴ (لو، ۲۰۰۳). گرتسن و همکاران (۲۰۰۶) تجدید ارائه‌ی صورت‌های مالی را بر اساس نیت مدیریت و درجه‌ی تحریف مربوط بودن اطلاعات، تقسیم‌بندی کرده‌اند. بر این اساس اگر میزان تحریف بی‌اهمیت بوده و با سوءنیت مدیران همراه نباشد، گرتسن و همکاران (۲۰۰۶) این نوع تجدید ارائه را به‌منزله‌ی دروغ‌های کم‌ضرر^۵ تلقی می‌کنند. در صورتی که میزان تحریف با اهمیت بوده ولی با نیت بد مدیریت همراه نباشد، اغفال^۶ نامیده می‌شود. این نوع

تجدید ارائه احتمالاً به دلیل کاهش عملکرد شرکت، باعث تغییر انتظارات پیرامون پیش‌بینی آینده می‌شود؛ اما به اعتبار گزارش‌های مالی شرکت آسیبی نمی‌رساند. اگر تجدید ارائه معرف سطح پایینی از تحریف عمدی باشد، به‌عنوان حقه‌ی حسابداری خاکستری و کم‌اهمیت^۷ در نظر گرفته می‌شود. این حالت موجب تغییر انتظارات در ارتباط با پیش‌بینی آینده نمی‌شود؛ اما اعتماد سرمایه‌گذاران را نسبت به درستی گزارش‌های مالی آینده شرکت کاهش داده و باعث عدم اطمینان بازار به پیش‌بینی‌های شرکت می‌شود. سرانجام جدی‌ترین نوع تجدید ارائه، تقلب و نیرنگ^۸ است که شامل تحریف با اهمیت و عمدی صورت‌های مالی است. در این حالت هم پیش‌بینی آینده و هم اعتبار شرکت پیرامون گزارش‌های مالی آتی کاهش می‌یابد. تجدید ارائه‌ی صورت‌های مالی را بر اساس دلایل آن، می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد (خواجوی و قدیریان آرانی، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴).

۱. تجدید ارائه‌ی ناشی از مسائل مربوط به شناسایی درآمدها و هزینه‌ها؛

۲. تجدید ارائه‌ی ناشی از مسائل مربوط به شناسایی دارایی‌ها، بدهی‌ها و ذخایر؛

۳. تجدید ارائه‌ی ناشی از مسائل مربوط به طبقه‌بندی اقلام صورت‌های مالی.

انگیزه‌های تجدید ارائه‌ی هدفمند صورت‌های مالی نیز به سه دسته تقسیم می‌شود: گروه نخست انگیزه‌ی شرکت‌هایی است که مشکل سودآوری و نقدینگی دارند. این شرکت‌ها تمایل بیشتری دارند تا با انجام اقدامات متقلبانه و مرتکب شدن اشتباهات عمدی، نتایج مالی خود را بهبود بخشند. گروه دوم انگیزه‌ی شرکت‌هایی است که تمایل دارند با انجام تقلب و اشتباهات عمدی، انتظارات و پیش‌بینی‌های بازار را برآورده سازند. گروه سوم انگیزه‌ی ناشی از برخی قراردادهای است. قراردادهای پاداش وابسته به ارزش سهام و عملکرد شرکت نمونه‌ای از این قراردادها است (پالمرز و شولز، ۲۰۰۴).

۲-۲. بیش‌اعتمادی مدیریت

پدیده‌ی رفتاری بیش‌اعتمادی یا اطمینان بیش‌ازحد، ریشه در متون روان‌شناسی دارد. این مفهوم از پژوهش و بررسی تأثیر خوش‌بینی^۹ بر تصمیم‌های اقتصادی، ناشی شده است. در متون روان‌شناسی دو تعریف از اعتماد بیش‌ازحد ارائه شده است (هاید، ۲۰۰۲). نخست، برآورد

بیش از واقع افراد از توانایی‌های خود (هاید، ۲۰۰۲؛ هیلر و همبریک، ۲۰۰۵؛ مالمندیر و تاته، ۲۰۰۸) و دوم، در نظر گرفتن رویدادها قطعی‌تر از آنچه واقعاً هست (هاید، ۲۰۰۲). در هر یک از این دو مورد، افراد اطلاعات خود را صحیح‌تر از آنچه در واقع هست، تصور می‌کنند (آلن و ایونس، ۲۰۰۵). در حقیقت، اطمینان بیش از حد یک فرد سبب می‌شود انسان دانش و مهارت خود را بیش از حد و ریسک‌ها را کمتر از حد برآورد کند و توانایی خود برای کنترل رویدادها را بیش از حد در نظر بگیرد، در حالی که ممکن است در واقع این‌گونه نباشد (نوفسینگر، ۲۰۰۱). افراد در هنگام تصمیم‌گیری ممکن است تمایل داشته باشند گزینه‌ای را انتخاب کنند که احتمالاً بیش‌نمایی شده است (فن‌دراستین، ۲۰۰۴). در بسیاری از موارد مدیران تصمیم‌هایی می‌گیرند که بر اساس ارزش مورد انتظار و ریسک نتایج پیش‌بینی شده^{۱۰} نمی‌توان آن‌ها را توضیح داد. این بحث نشان می‌دهد که بیش‌اعتمادی یک ویژگی نیست که به‌وسیله‌ی افراد تحت تأثیر قرار گرفته تشخیص داده شود (پرسلی و ابوت، ۲۰۱۳). در مبانی نظری مدیریت و روان‌شناسی، بیش‌اعتمادی دربرگیرنده‌ی خوش‌بینی (یک برآورد بیش‌از حد مثبت از نتایج پیش‌بینی شده) و اعتماد به نفس بیش‌از حد (اطمینان بیش‌از حد در احتمال نتایج) است (مالمندیر و تاته، ۲۰۰۸؛ پرسلی و ابوت، ۲۰۱۳). هیتون (۲۰۰۲) اصطلاح خوش‌بین را برای مدیرانی به کار می‌برد که به‌طور منظم و سامانمند، سودآوری ناشی از عملکرد شرکت‌های خوب را بیش‌از حد و سودآوری ناشی از عملکرد شرکت‌های ضعیف را کمتر از حد برآورد می‌کنند.

۲-۳. بیش‌اعتمادی مدیریت و تجدید ارانه‌ی صورت‌های مالی

مدیران بیش‌اعتماد مستعد انجام برآوردهایی در مورد نتایج هستند که به احتمال قوی تحقق نخواهند یافت (پرسلی و ابوت، ۲۰۱۳). مدیران بیش‌اعتماد به خود، به احتمال زیاد ورودی‌های پیش‌بینی شده^{۱۱} را بیشتر برآورد کرده و نسبت به احتمال نتایج مطلوب مطمئن هستند (بن-دیوید و همکاران، ۲۰۰۷؛ مالمندیر و تاته، ۲۰۰۸). هم‌چنین مدیر بیش‌اعتماد به خود ممکن است ارزش اطلاعات اضافی ارائه‌شده به‌وسیله‌ی حسابرس مستقل یا داخلی را کاهش دهند (زیاد به آن توجه نکنند) (گول و تاکور، ۲۰۰۸). افزون بر این ممکن است

بیش‌اعتمادی مدیریت، محیط گزارشگری جسورانه، خوش‌بینانه و غیرواقعی‌بینانه‌ای ایجاد کند. ممکن است شرکت‌هایی با مدیران بیش‌اعتماد به خود به‌جای برآوردهای محافظه‌کارانه، برآوردهای حسابداری دست‌نیافتنی داشته باشند (پرسلی و ابوت، ۲۰۱۳). یافته‌های پژوهش‌های پیشین (همچون پژوهش‌های احمد و دوئل‌من، ۲۰۱۳؛ هوانگ و همکاران، ۲۰۱۴؛ فروغی و نخبه‌فلاح، ۱۳۹۳؛ و رامشه و ملانظری، ۱۳۹۳) نیز مؤید این استدلال هستند. از این‌رو بیش‌اعتمادی مدیران می‌تواند احتمال خطاهای خوش‌بینانه در وهله اول گزارشگری مالی را افزایش دهد. بیش‌اعتمادی مدیریت مانع توانایی برای یادگیری می‌شود (برمر، ۱۹۸۰) و اگر مدیر تشخیص دهد که خطایی رخ داده، جانب‌داری و سرسپردگی وی به آن، تغییر آنچه را که در وهله اول به‌گونه‌ای خوش‌بینانه برآورد کرده مشکل‌تر می‌کند. اگرچه ممکن است اشتباه‌ها در ابتدا بی‌اهمیت باشند اما با گذشت زمان این اشتباه‌ها می‌تواند با اهمیت شود (پرسلی و ابوت، ۲۰۱۳).

به‌طور خلاصه، بیش‌اعتمادی مدیریت از دو راه ممکن است به ارائه‌ی اشتباه و درنهایت تجدید ارائه‌ی صورتهای مالی منجر شود. نخست این ویژگی رفتاری می‌تواند به‌گونه‌ای غیرعمدی منجر به ارائه‌ی اشتباه شود؛ چراکه مدیر بیش‌اعتماد حقیقتاً به برآوردهای خوش‌بینانه و غیرواقعی‌بینانه‌ی خود اعتقاد دارد. به‌بیان‌دیگر، باور مدیران بیش‌اعتماد این است که در ارزیابی شرایط مالی بهتر از متوسط هستند درحالی‌که ارزیابی آن‌ها نشان‌گر برآوردهای خوش‌بینانه و غیرواقعی‌بینانه‌ی زیربنای صورتهای مالی است (لاروود و ویتاکر، ۱۹۹۷؛ هرپار و یانگ، ۲۰۱۶). دوم این‌که بیش‌اعتمادی مدیریت می‌تواند منجر به ارائه‌ی اشتباه عمدی شود (شراند و زچمن، ۲۰۱۲). در این حالت مدیر بیش‌اعتماد از ارائه‌ی اشتباه در دوره‌ی جاری آگاهی دارد اما آن را توجیه می‌کند؛ چراکه معتقد است عملکرد آتی شرکت تحت مدیریت وی قادر خواهد بود این ارائه‌ی اشتباه را جبران کند. در هر یک از این دو حالت هنگام مشخص شدن عملکرد آتی، اشتباه اولیه باید افشا شود یا این‌که ارائه‌ی اشتباه‌های بعدی بزرگ‌تری به‌منظور جبران اشتباهات بزرگ‌تر انجام شود (پرسلی و ابوت، ۲۰۱۳).

۳. پیشینه‌ی پژوهش

۳-۱. پیشینه‌ی خارجی

هوآنگ و ژانگ (۲۰۰۹) به بررسی محافظه‌کاری متعاقب تجدید ارائه‌ی سود پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد شرکت‌هایی که اقدام به بیش‌نمایی سودهای خود می‌کنند، پس از تجدید ارائه نسبت به قبل از آن رویه‌های حسابداری محافظه‌کارانه‌تری را برمی‌گزینند.

یافته‌های پژوهش شراند و زچمن (۲۰۱۲) نشان داد که بیش‌اعتمادی مدیریت یکی از عواملی است که منجر به تقلب و ارائه‌ی اشتباه عمدی گزارش‌های مالی می‌شود.

اترج و همکاران (۲۰۱۲) به این نتیجه رسیدند که افزایش در محافظه‌کاری به دنبال تجدید ارائه، مشروط به بهبود در حاکمیت شرکتی است. همچنین آن‌ها نشان دادند که میزان محافظه‌کاری در شرکت‌های تجدید ارائه‌کننده صورت‌های مالی، در سال تجدید ارائه کمتر از میزان محافظه‌کاری در شرکت‌هایی است که اقدام به تجدید ارائه‌ی صورت‌های مالی خود نکرده‌اند؛ اما در سال‌های پس از تجدید ارائه، شرکت‌های تجدید ارائه‌کننده نسبت به شرکت‌های گروه کنترل روش‌های محافظه‌کارانه‌تری را به کار خواهند گرفت.

احمد و دوئل‌من (۲۰۱۳) نشان دادند که بیش‌اعتمادی مدیریت منجر به کاهش محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی می‌شود. همچنین نظارت خارجی قوی نمی‌تواند این اثر را کاهش دهد.

پرسلی و ابوت (۲۰۱۳) با انجام پژوهشی به این نتیجه رسیدند که رابطه‌ی مثبت معناداری بین بیش‌اعتمادی مدیریت و رخداد تجدید ارائه‌ی صورت‌های مالی وجود دارد.

یافته‌های پژوهش هوآنگ و همکاران (۲۰۱۴) نشان داد که بین بیش‌اعتمادی مدیریت و محافظه‌کاری حسابداری رابطه‌ای منفی وجود دارد.

بومن (۲۰۱۴) با انجام پژوهشی به این نتیجه رسید که مدیران خوش‌بین بیش‌تر از مدیران منطقی اقدام به هموارسازی سود می‌کنند.

هریبار و یانگ (۲۰۱۶) نشان دادند که بیش‌اعتمادی مدیریت منجر به افزایش خوش‌بینی در پیش‌بینی‌های مدیریت می‌شود.

۲-۳. پیشینه‌ی داخلی

نیکبخت و رفیعی (۱۳۹۱) به این نتیجه رسیدند که سودآوری، اهرم مالی، طول دوره‌ی تصدی مدیریت، تغییر مدیریت، تغییر حسابرِس و اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرِسی بر وقوع تجدید ارائه‌ی صورت‌های مالی مؤثر است.

یافته‌های پژوهش ساعی و همکاران (۱۳۹۲) نشان می‌دهد که نسبت توزیع فراوانی تجدید ارائه‌ها، در سال‌ها و صنایع مختلف معنادار است. همچنین تفاوت معناداری میان ارقام اولیه و تجدید ارائه‌شده وجود دارد.

خواجوی و قدیریان آرانی (۱۳۹۳) با استفاده از معیارهای مختلف کیفیت سود، از جمله محافظه‌کاری نشان دادند که اگرچه کیفیت سود گزارش‌شده‌ی اولیه‌ی شرکت‌های تجدید ارائه‌کننده پایین‌تر از کیفیت سود شرکت‌هایی است که صورت‌های مالی خود را تجدید ارائه نکرده‌اند اما بین کیفیت سود تجدید ارائه‌شده‌ی شرکت‌های تجدید ارائه‌کننده و کیفیت سود شرکت‌هایی که صورت‌های مالی خود را تجدید ارائه نکرده‌اند، تفاوت معناداری وجود ندارد. همچنین در سطح شرکت‌های تجدید ارائه‌کننده، کیفیت سود تجدید ارائه‌شده بالاتر از کیفیت سود گزارش‌شده‌ی اولیه است.

رامشه و ملانظری (۱۳۹۳) به این نتیجه رسیدند که بیش‌اعتمادی مدیریت محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی را کاهش می‌دهد. همچنین نظارت خارجی اگرچه اثر منفی بیش‌اعتمادی مدیریت بر محافظه‌کاری شرطی را کاهش می‌دهد، اما بر رابطه‌ی بیش‌اعتمادی مدیریت و محافظه‌کاری غیرشرطی اثرگذار نیست.

نتایج پژوهش فروغی و نخبه‌فلاح (۱۳۹۳) نشان داد بیش‌اعتمادی مدیریت سبب کاهش محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی در فرآیند گزارشگری مالی می‌شود.

خواجوی و قدیریان آرانی (۱۳۹۴) نشان دادند که درباره‌ی تأثیر کیفیت سود بر وقوع تجدید ارائه‌ی صورت‌های مالی نمی‌توان به نتیجه‌ی قطعی دست یافت. با این وجود کیفیت سود به‌گونه‌ای منفی بر شدت تجدید ارائه‌ی صورت‌های مالی تأثیرگذار است.

یافته‌های پژوهش ودیعی و همکاران (۱۳۹۵) حاکی از آن است که واگذاری سهام شرکت‌های بورسی از طرف سازمان خصوصی‌سازی، باعث کاهش تعداد و میزان تجدید ارائه‌ی

صورت‌های مالی شده است. همچنین با افزایش درصد مالکیت انتقال یافته، میزان این تجدید ارائه‌ها به مراتب کمتر شده است.

حسینی خارسانی و دستگیر (۱۳۹۵) به این نتیجه رسیدند که هر چه راه‌بری شرکتی در یک شرکت قوی‌تر باشد، کیفیت گزارشگری مطلوب‌تر و احتمال تجدید ارائه‌ی صورت‌های مالی کمتر است.

خواجوی و همکاران (۱۳۹۵) به این نتیجه رسیدند که هراندازه مدیران از خودش یفتگی بالاتری برخوردار باشند برای نمایش عملکرد مالی مطلوب در کوتاه‌مدت به ذی‌نفعان، بیش‌تر به سمت‌وسوی فعالیت‌های مرتبط با مدیریت سود سوق پیدا خواهند کرد.

۴. فرضیه‌های پژوهش

بر اساس پیشینه‌ی نظری و تجربی انتظار می‌رود که بیش‌اعتمادی مدیریت منجر به افزایش احتمال تجدید ارائه‌ی صورت‌های مالی شود. اگرچه در ایران تجدید ارائه‌ی مستقل وجود ندارد، اما بیش‌تر شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران به‌طور پیوسته اقدام به تجدید ارائه‌ی صورت‌های مالی خود می‌کنند (خواجوی و قدیریان آرلانی، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴؛ خواجوی و همکاران، ۱۳۹۴). در نتیجه با در نظر گرفتن پیشینه‌ی مطرح‌شده، این پرسش مطرح می‌شود که آیا بیش‌اعتمادی مدیریت بر رخداد تجدید ارائه‌ی با اهمیت و شدت تجدید ارائه‌ی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر می‌گذارد؟ در راستای پاسخ‌گویی به این پرسش فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر تدوین شده است:

فرضیه ۱. بیش‌اعتمادی مدیریت احتمال رخداد تجدید ارائه‌ی با اهمیت را افزایش

می‌دهد؛

فرضیه ۲. بیش‌اعتمادی مدیریت شدت تجدید ارائه‌ی صورت‌های مالی را افزایش

می‌دهد.

۵. روش پژوهش

این پژوهش، پژوهشی کمی است و از روش علمی ساخت و اثبات تجربی استفاده می‌کند. همچنین پژوهش حاضر، پژوهشی پس‌رویدادی است؛ چراکه بررسی‌های لازم پس از وقوع

رویدادها انجام گرفته و امکان دست‌کاری متغیرهای مستقل وجود ندارد (عبدالخلیق و آجین‌کیا، ۱۳۸۹). نتایج این پژوهش می‌تواند به‌وسه یله‌ی سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، تحلیل‌گران و سازمان‌های تدوین‌کننده‌ی مقررات و استانداردهای حسابداری استفاده شود؛ بنابراین پژوهش حاضر از لحاظ هدف نمونه‌ای از پژوهش‌های کاربردی است. داده‌ها و اطلاعات موردنیاز از طریق بانک‌های اطلاعاتی سازمان بورس و اوراق بهادار تهران، صورت‌های مالی سالانه‌ی شرکت‌ها و نرم‌افزارهای ره‌آورد نوین و تدبیر پرداز گردآوری شده‌اند. تحلیل داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار EViews 8 انجام شده است.

۵-۱. جامعه و نمونه‌ی پژوهش

شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند. به علت وجود برخی ناهماهنگی‌ها میان اعضای جامعه، نمونه بر اساس شرایط زیر انتخاب شده است:

۱. سال مالی شرکت منتهی به پایان اسفندماه هر سال باشد؛
۲. شرکت طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳ تغییر سال مالی نداده باشد؛
۳. تا پایان سال مالی ۱۳۸۵ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد؛
۴. اطلاعات مالی موردنیاز به‌منظور استخراج داده‌های موردنیاز در دسترس باشد؛
۵. جزء بانک‌ها و مؤسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، شرکت‌های هلدینگ و لیزینگ‌ها) نباشد.

لازم به ذکر است اگرچه قلمرو زمانی این پژوهش محدود به بازه‌ی زمانی ۱۳۸۶-۱۳۹۲ است، اما برای دستیابی به داده‌های مربوط به تجدید ارائه‌ی سال ۱۳۹۲، از صورت‌های مالی سال ۱۳۹۳ استفاده شده است. از این‌رو محدودیت دوم به‌صورت بالا مطرح شده است. با توجه به شرایط و اعمال محدودیت‌های یادشده، ۱۳۸ شرکت در دوره‌ی زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲ برای بررسی انتخاب شد.

۵-۲. متغیرهای پژوهش

۵-۲-۱. متغیر مستقل

متغیر مستقل این پژوهش، اعتماد بیش‌ازحد مدیریت است. نتایج برخی پژوهش‌ها حاکی از آن است که تصمیم‌های سرمایه‌گذاری شرکت‌ها و بیش‌اعتمادی مدیریت به یکدیگر مربوط هستند (مالمن‌دیر و تاته، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۸؛ و بن-دیوید و همکاران، ۲۰۱۰). به بیان دیگر این تصمیم‌ها شامل اطلاعاتی پیرامون اعتماد بیش‌ازحد مدیریت هستند (کمبل و همکاران، ۲۰۱۱) و می‌توان از سرمایه‌گذاری بیش‌ازحد به‌عنوان شاخصی از بیش‌اعتمادی مدیریت استفاده کرد. در این پژوهش برای اندازه‌گیری بیش‌اعتمادی مدیریت همچون پژوهش‌های شراند و زچمن (۲۰۱۲)، احمد و دوئل‌من (۲۰۱۳)، فروغی و نخبه‌فلاخ (۱۳۹۳) و عرب‌صالحی و هاشمی (۱۳۹۴) از شاخص سرمایه‌گذاری بیش‌ازحد در دارایی‌ها^{۱۲} استفاده شده است. سرمایه‌گذاری بیش‌ازحد در دارایی‌ها از باقیمانده‌ی مدل رگرسیونی رشد دارایی‌ها بر رشد فروش بر مبنای سال-صنعت محاسبه می‌شود. سریع‌تر بودن رشد دارایی‌ها نسبت به رشد فروش نشان‌گر این است که مدیر نسبت به شرکت‌های مشابه (متوسط صنعت) سرمایه‌گذاری بیشتری انجام داده است؛ بنابراین مثبت بودن باقیمانده‌ی این الگوی رگرسیونی نشان‌گر سرمایه‌گذاری بیش‌ازحد در دارایی‌ها و اعتماد بیش‌ازحد مدیریت است (احمد و دوئل‌من، ۲۰۱۳). مدل رگرسیونی یادشده به شرح زیر است:

$$AG_{i,t+1} = \beta_0 + \beta_1 SG_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

AG : رشد دارایی‌ها،

SG : رشد فروش،

ε : شاخص سرمایه‌گذاری در دارایی‌ها.

به‌طور خلاصه شاخص سرمایه‌گذاری بیش‌ازحد بیش‌اعتمادی مدیریت در این مدل متغیری مجازی است که اگر باقیمانده‌ی الگوی رگرسیونی بالا مثبت باشد، یک و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می‌شود.

۵-۲-۲. متغیرهای وابسته

رخداد تجدید ارائه‌ی با اهمیت و شدت تجدید ارائه‌ی صورت‌های مالی متغیرهای وابسته‌ی

پژوهش هستند. در پژوهش حاضر همچون پژوهش‌های لیوانت و تان (۲۰۰۴)، بابر و همکاران (۲۰۰۹)، هیرشی و همکاران (۲۰۱۲)، خواجه‌وی و قدیریان آرنلی (۱۳۹۴) و خواجه‌وی و همکاران (۱۳۹۴) شدت تجدید ارائه به‌وسیله‌ی میزان تجدید ارائه‌ی سود خالص عملیاتی شده است.

$$RESM = \frac{|RESNI_{i,t} - NI_{i,t}|}{NI_{i,t}}$$

RESM: شدت تجدید ارائه؛ *RESNI*: سود خالص تجدید ارائه‌شده؛ *NI*: سود خالص.

در این پژوهش، در صورتی تجدید ارائه با اهمیت در نظر گرفته‌شده است که شدت آن بیشتر از ۵ درصد باشد.

۵-۲-۳. متغیرهای کنترلی

بر اساس نتایج بسیاری از پژوهش‌های پیشین اندازه‌ی شرکت (همچون لین و همکاران، ۲۰۰۴؛ و دسای و همکاران، ۲۰۰۶)، اهرم مالی (همچون ریچاردسون و همکاران، ۲۰۰۲؛ لین و همکاران، ۲۰۰۴؛ دسای و همکاران، ۲۰۰۶؛ عبدالله و همکاران، ۲۰۱۰؛ نیکبخت و رفیعی، ۱۳۹۰، خواجه‌وی و قدیریان آرنلی، ۱۳۹۴؛ و خواجه‌وی و همکاران، ۱۳۹۴) و سودآوری (همچون دسای و همکاران، ۲۰۰۶؛ نیکبخت و رفیعی، ۱۳۹۰؛ خواجه‌وی و همکاران، ۱۳۹۴) از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر تجدید ارائه‌ی صورت‌های مالی هستند؛ بنابراین در این پژوهش اندازه‌ی شرکت، اهرم مالی و سودآوری به‌عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته‌شده‌اند. به‌منظور اندازه‌گیری متغیرهای اندازه‌ی شرکت، اهرم مالی و سودآوری به ترتیب از لگاریتم طبیعی فروش، نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها و نرخ بازده دارایی‌ها استفاده‌شده است.

۴-۲-۵. الگوهای آزمون فرضیه‌ها

در پژوهش حاضر با توجه به نوع داده‌ها و روش‌های تجزیه‌وتحلیل موجود، برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از رگرسیون لجستیک و رگرسیون خطی چند متغیره استفاده‌شده است. الگوهای رگرسیونی تخمین زده‌شده برای آزمون فرضیه‌ها به شرح زیر است. الگوی اول با استفاده از رگرسیون لجستیک و الگوی دوم با استفاده از رگرسیون خطی چند متغیره برآزش شده است.

$$MRES_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 OVC_{i,t} + \beta_2 SIZ_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 ROA_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (1)$$

$$RESM_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 OVC_{i,t} + \beta_2 SIZ_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 ROA_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (2)$$

$MRES$: رخداد تجدید ارائه‌ی با اهمیت، یک در صورت با اهمیت بودن شدت تجدید ارائه و در غیر این صورت صفر؛ $RESM$: شدت تجدید ارائه؛ OVC : بیش‌اعتمادی مدیریت؛ SIZ : اندازه‌ی شرکت؛ LEV : اهرم مالی؛ ROA : سودآوری.

۶. یافته‌های پژوهش

به‌منظور بررسی اولیه‌ی داده‌ها، آماره‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه در جدول شماره ۱ ارائه شده است. اگرچه در حدود ۸۷ مشاهدات، شرکت‌های مورد بررسی صورت‌های مالی خود را تجدید ارائه کرده‌اند، با این وجود تنها ۲۷ درصد تجدید ارائه‌ها با اهمیت بوده است. میانگین مربوط به رخداد تجدید ارائه‌ی با اهمیت در جدول ۱ نشانگر این موضوع است.

جدول ۱: آمار توصیفی متغیرهای دوره‌ی پژوهش

متغیرهای پژوهش	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
رخداد تجدید ارائه‌ی با اهمیت	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۲۷۷۴	۰/۴۴۷۹
شدت تجدید ارائه	۰/۰۰۰۰	۵/۴۴۲۵	۰/۱۳۰۵	۰/۵۰۱۱
بیش‌اعتمادی مدیریت	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۵۳۵۲	۰/۴۹۹۰
اندازه‌ی شرکت	۸/۸۵۲۸	۱۸/۵۸۶۲۱	۱۲/۶۵۵۵	۱/۳۶۱۵
عملکرد مالی	-۰/۳۲۷۴	۰/۶۳۹۴	۰/۱۲۶۰	۰/۱۱۹۱
اهرم مالی	۰/۰۹۶۵	۱/۱۴۷۹	۰/۶۳۰۴	۰/۰۹۶۴

نتایج حاصل از بررسی پایایی متغیرهای پژوهش با استفاده از ایم، پسران و شین در جدول ۲ ارائه شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود کلیه‌ی متغیرهای مستقل، وابسته و کنترلی در دوره‌ی پژوهش پایا هستند. این بدان معنی است که میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کوواریانس متغیرها بین سال‌های مختلف ثابت بوده است. در نتیجه شرکت‌های

مورد بررسی تغییرات ساختاری نداشته و استفاده از این متغیرها در مدل باعث به وجود آمدن رگرسیون کاذب نمی‌شود.

جدول ۲: نتایج حاصل از آزمون پایایی متغیرهای پژوهش

معناداری	آماره آزمون	متغیرهای پژوهش
۰/۰۰۰۰	$-۷/۶ * ۱۰^{۱۴}$	رخداد تجدید ارائه‌ی با اهمیت
۰/۰۰۰۰	$-۱۸۵/۷۵۲$	شدت تجدید ارائه
۰/۰۰۰۰	$-۶/۵ * ۱۰^{۱۴}$	بیش‌اعتمادی مدیریت
۰/۰۳۳۳	$-۱/۸۳۳۷$	اندازه‌ی شرکت
۰/۰۰۰۰	$-۵/۳۴۲۱$	عملکرد مالی
۰/۰۰۰۰	$-۷/۵۰۲۹$	اهرم مالی

جدول ۳ نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ی اول پژوهش را با استفاده از الگوی رگرسیون لجستیک نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول مزبور مشاهده می‌شود، آماره χ^2 در سطح خطای ۰/۰۵ معنادار است که بیانگر معنادار بودن کلی الگوی رگرسیونی برازش شده است. با توجه به سطح معناداری آماره Z (در سطح اطمینان ۰/۹۵) متغیر مستقل، بین بیش‌اعتمادی مدیریت و رخداد تجدید ارائه‌ی با اهمیت رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. این یافته با یافته پژوهش پرسلی و ابوت (۲۰۱۳) مغایر است. از جمله دلایل احتمالی این مغایرت، متفاوت بودن متغیر وابسته این دو پژوهش است. با توجه به این‌که بیش‌تر شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران صورت‌های مالی خود را تجدید ارائه کرده‌اند، رخداد تجدید ارائه با اهمیت به‌عنوان متغیر وابسته‌ی پژوهش حاضر در نظر گرفته شد؛ اما پرسلی و ابوت (۲۰۱۳) رخداد تجدید ارائه را به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته‌اند. افزون بر این نتایج فرعی آزمون این فرضیه حاکی از آن است که بین عملکرد مالی و رخداد تجدید ارائه‌ی با اهمیت صورت‌های مالی رابطه‌ای منفی برقرار است. به‌بیان‌دیگر احتمال رخداد تجدید ارائه‌ی با اهمیت در شرکت‌هایی که عملکرد مالی ضعیف‌تری دارند بیشتر از شرکت‌هایی است که مشکل سودآوری

ندارد. این یافته هم‌راستا با نتایج پژوهش‌های دسای و همکاران (۲۰۰۶) و نیکبخت و رفیعی (۱۳۹۰) است.

جدول ۳: نتایج آزمون فرضیه‌ی اول پژوهش

متغیر	ضریب متغیر	آماره Z	سطح معناداری
مقدار ثابت	-۱/۲۸۴۶	-۱/۷۹۹۶	۰/۰۷۱۹
بیش‌اعتمادی مدیریت	۰/۲۲۸۱	-۱/۴۷۶۸	۰/۱۳۹۷
اندازه‌ی شرکت	۰/۰۶۷۴	۱/۱۹۶۵	۰/۲۳۱۵
عملکرد مالی	-۴/۱۶۹۳	-۴/۵۶۱۳	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	۰/۰۸۴۸	۰/۱۵۹۲	۰/۸۷۳۵
McFadden R ²	خطای استاندارد الگو	آماره LR (χ^2)	سطح معناداری آماره LR
۰/۰۴۰۹	۰/۴۳۸۳	۴۶/۷۳۰۸	۰/۰۰۰۰

در جدول ۴ ضریب همبستگی پیرسون برای متغیرهای الگوی رگرسیونی دوم ارائه شده است. با توجه به ضعیف بودن همبستگی بین متغیرهای مستقل و کنترلی می‌توان نتیجه گرفت که مشکل هم‌خطی در این الگوی رگرسیونی برای آزمون فرضیه‌ی دوم پژوهش وجود ندارد و می‌توان از الگوی حداقل مربعات استفاده کرد.

جدول ۴: همبستگی میان متغیرهای الگوی رگرسیون دوم

متغیر	ROA	LEV	SIZ	OVC	RESM
ROA	۱	۰/۴۶۷*	۰/۰۹۰*	۰/۲۷۷*	-۰/۱۷۹*
LEV		۱	۰/۱۶۵*	۰/۰۱۱	۰/۰۸۷*
SIZ			۱	۰/۱۵۵*	-۰/۰۱۸
OVC				۱	-۰/۰۴۹*
RESM					۱

علامت * بیانگر معناداری ضریب همبستگی در سطح ۰/۰۵ است.

برای انتخاب از بین روش اثرات ثابت، تصادفی و مشترک از آزمون‌های چاو و هاسمن

استفاده شد. نتایج به‌دست‌آمده از این آزمون‌ها در جدول ۵ ارائه‌شده است. با توجه به نتایج ارائه‌شده در این جدول از الگوی اثرات تصادفی برای آزمون فرضیه ی دوم پژوهش استفاده شد.

جدول ۵: نتایج حاصل از آزمون انتخاب نوع الگو برای آزمون فرضیه دوم

آزمون هاسمن	آزمون چاو	
۷/۳۱۴۸	۳/۰۷۳۰	آماره آزمون
۰/۱۲۰۱	۰/۰۰۰۰	معناداری

نتایج حاصل از آزمون فرضیه ی دوم پژوهش با استفاده از الگوی رگرسیون داده‌های ترکیبی، در جدول ۶ نشان داده‌شده است. همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود مقدار آماره F و سطح معناداری مربوط به آن، بیانگر معنادار بودن کلی الگوی رگرسیون برازش شده است. میزان آماره دوربین-واتسون نیز حاکی از آن است که خطای خودهمبستگی در الگوی برازش شده وجود ندارد. با توجه به سطح معناداری آماره t (در سطح اطمینان ۹۵ درصد) متغیر مستقل، بین بیش‌اعتمادی مدیریت و شدت تجدید ارانه‌ی صورت‌های مالی رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. از آنجاکه شدت تجدید ارانه نشانه‌ای از پایین بودن کیفیت سود گزارش شده است (خواجوی و قدیریان آرلندی، ۱۳۹۴)، می‌توان گفت یافته‌های این پژوهش به‌طور غیرمستقیم با نتایج پژوهش‌های احمد و دوئلمن (۲۰۱۳)، هوانگ و همکاران (۲۰۱۴)، فروغی و نخبه‌فلاح (۱۳۹۳) و رامشه و ملانظری (۱۳۹۳) مبنی بر وجود رابطه‌ی منفی بین بیش‌اعتمادی مدیریت و محافظه‌کاری حسابداری به‌عنوان معیاری از کیفیت گزارشگری مالی، مغایر است. افزون بر این نتایج فرعی آزمون این فرضیه حاکی از آن است که از بین متغیرهای کنترلی، تنها رابطه‌ی بین عملکرد مالی و شدت تجدید ارانه‌ی صورت‌های مالی معنادار است. با توجه به علامت ضریب این متغیر می‌توان گفت که بین عملکرد مالی و شدت تجدید ارانه‌ی صورت‌های مالی رابطه‌ی منفی برقرار است. به‌بیان‌دیگر شدت تجدید ارانه در شرکت‌هایی که عملکرد مالی ضعیف‌تری دارند بیشتر از شرکت‌هایی است که مشکل سودآوری ندارد. این یافته هم‌راستا با نتایج پژوهش‌های خواجوی و قدیریان آرانی (۱۳۹۴) و خواجوی و همکاران (۱۳۹۴)

است. همچنین بررسی نشدن متغیرهای احتمالی تأثیرگذار بر شدت تجدید ارائه از دلایل پایین بودن ضریب تعیین الگوی برآزش شده است. سازوکارهای حاکمیت شرکتی از جمله این متغیرها است که در پژوهش‌های خواجهی و همکاران (۱۳۹۴) و حسینی خارسانی و دستگیر (۱۳۹۵) بررسی شده است. از آنجاکه رابطه‌ای بین بیش‌اعتمادی و تجدید ارائه مشاهده نشد، بررسی نشدن این متغیرها محدودیتی در راستای دستیابی به هدف اصلی پژوهش (بررسی تأثیر بیش‌اعتمادی بر تجدید ارائه) ایجاد نمی‌کند.

جدول ۶: نتایج آزمون فرضیه‌ی دوم پژوهش

متغیر	ضریب متغیر	مقدار آماره t	سطح معناداری
مقدار ثابت	۰/۲۵۳۲	۱/۶۲۹۴	۰/۱۰۳۶
بیش‌اعتمادی مدیریت	-۰/۰۰۶۳	-۰/۱۸۹۱	۰/۸۵۰۱
اندازه‌ی شرکت	۰/۰۰۱۵	۰/۱۱۹۸	۰/۹۰۴۶
عملکرد مالی	-۰/۷۹۹۶	-۴/۶۴۹۶	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	-۰/۰۵۹۱	-۰/۵۳۲۳	۰/۵۹۴۷
ضریب تعیین تعدیل‌شده	آماره دوربین واتسون ۱/۶۷۰۱	آماره F ۸/۰۳۸۱	سطح معناداری آماره F ۰/۰۰۰۰

۷. بحث و نتیجه‌گیری

اگرچه در ایران تجدید ارائه‌ی مستقل وجود ندارد، اما در بیش‌تر شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران به‌طور پیوسته اقدام به تجدید ارائه‌ی صورت‌های مالی می‌شود. ویژگی‌های مدیریت، از جمله بیش‌اعتمادی، تأثیر زیادی بر نحوه‌ی تصمیم‌گیری پیرامون گزارشگری مالی و در نتیجه کیفیت این گزارش‌ها دارد. بر اساس مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش پیش‌بینی می‌شود که بیش‌اعتمادی مدیران احتمال خطاهای خوش‌بینانه در گزارشگری و در نتیجه احتمال تجدید ارائه‌ی صورت‌های مالی و میزان آن را در سال‌های آتی افزایش دهد. پژوهش حاضر برای بررسی تجربی این پیش‌بینی در بین شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام شد. از این‌رو رابطه‌ی بیش‌اعتمادی مدیریت و تجدید ارائه‌ی

صورت‌های مالی برای نمونه‌ای شامل ۱۳۸ شرکت ایرانی در بازه زمانی ۱۳۹۲-۱۳۸۶ بررسی شد.

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان داد که بیش‌اعتمادی مدیریت بر رخداد تجدید ارائه‌ی با اهمیت و شدت تجدید ارائه‌ی صورت‌های مالی تأثیرگذار نیست. با این وجود بین عملکرد مالی و رخداد تجدید ارائه‌ی با اهمیت و شدت آن رابطه‌ای منفی برقرار است. این یافته‌ها نشان می‌دهد حداقل طی دوره‌ی پژوهش حاضر و در بین شرکت‌های مورد بررسی، مدیران شرکت‌های با سودآوری پایین و عملکرد ضعیف، بدون توجه به عملکرد آتی شرکت و پیش‌بینی آن اقدام به گزارشگری مالی کرده و در نهایت مجبور به تجدید ارائه‌ی آن‌ها شده‌اند. از جمله دلایل احتمالی این اقدام مدیران، عدم توجه و واکنش بازار به تجدید ارائه‌ی صورت‌های مالی، به‌عنوان معیار معکوسی از کیفیت گزارشگری مالی است. به بیان دیگر شرکت‌هایی که عملکرد ضعیفی دارند بدون توجه به این که به وسیله‌ی مدیریت دارای اطمینان بیش‌ازحد اداره می‌شوند یا خیر، از امکان تجدید ارائه‌ی صورت‌های مالی به‌عنوان سرپوشی برای ضعف عملکرد خود استفاده کرده‌اند؛ بنابراین تجدید ارائه‌ی با اهمیت صورت‌های مالی و شدت آن می‌تواند نشانه‌هایی درباره‌ی مشکلات سودآوری شرکت‌ها در اختیار سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان قرار دهد. از این رو به سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان پیشنهاد می‌شود در ارزیابی توان مالی شرکت‌ها به میزان شدت تجدید ارائه‌ی صورت‌های مالی آن‌ها در سال‌های گذشته توجه کنند. با توجه به رابطه‌ی منفی بین سودآوری و شدت تجدید ارائه‌ی صورت‌های مالی به حساب‌رسان پیشنهاد می‌شود به منظور جلوگیری از خدشه وارد شدن به اعتبار خود نزد جامعه، رسیدگی به صورت‌های مالی شرکت‌های با عملکرد ضعیف را با تردید حرفه‌ای بیشتری انجام دهند. همچنین به منظور جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی از تجدید ارائه به سازمان حسابرسی و بورس و اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود مقررات سخت‌گیرانه‌تری در این حوزه مقرر کنند. به‌عنوان نمونه مقرر شود که شرکت‌ها در زمان مشخص شدن لزوم تجدید ارائه و پیش از انتشار اطلاعات مالی سال آتی اقدام به تهیه و انتشار صورت‌های مالی تجدید ارائه‌شده‌ی خود کنند تا استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی زودتر به اطلاعات تجدید ارائه‌شده دسترسی داشته باشند. این پیشنهاد می‌تواند انگیزه‌ی شرکت‌های با عملکرد ضعیف را برای سوءاستفاده‌ی

احتمالی از امکان تجدید ارائه‌ی صورت‌های مالی کاهش دهد.

با توجه به وجود معیارهای متفاوت برای بیش‌اعتمادی مدیریت پیشنهاد می‌شود پژوهش حاضر با استفاده از سایر الگوهای اندازه‌گیری این متغیر مانند معیارهای مبتنی بر نسبت مخارج سرمایه‌ای، انحراف سودهای پیش‌بینی شده از سود واقعی، درصد افزایش قیمت سهام و تعداد روزهای افزایش و کاهش قیمت سهام تکرار شود. همچنین در پژوهش حاضر داده‌های گزارش‌شده‌ی اولیه‌ی شرکت‌ها برای اندازه‌گیری بیش‌اعتمادی مدیریت و متغیرهای کنترلی به کار گرفته شد. درحالی‌که احتمال دارد استفاده از اطلاعات تجدید ارائه‌شده منجر به نتایج متفاوتی شود؛ بنابراین به پژوهش‌گران آتی پیشنهاد می‌شود پژوهش حاضر را با استفاده از اطلاعات تجدید ارائه‌شده مجدداً انجام دهند.

مهم‌ترین محدودیت پژوهش حاضر که در تفسیر نتایج و قابلیت تعمیم آن باید به آن توجه شود، آن است که بیش‌اعتمادی یکی از ویژگی‌های رفتاری مدیریت است که ممکن است تحت تأثیر تغییرات مدیریت قرار گیرد. به علت گردش زیاد مدیران شرکت‌های موردبررسی طی دوره‌ی پژوهش، امکان حذف اثر آن بر بیش‌اعتمادی وجود نداشت. چراکه منجر به کاهش نمونه می‌شد. همچنین انتخاب متغیرهای کنترلی باید در تعمیم نتایج فرعی پژوهش حاضر مدنظر قرار گیرد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی سایر متغیرهای احتمالی اثرگذار بر تجدید ارائه‌ی صورت‌های مالی به‌عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته شوند. افزون بر این نحوه‌ی سنجش متغیرهای کنترلی یکی از عواملی است که ممکن است قابلیت تعمیم نتایج فرعی پژوهش را تحت تأثیر قرار دهد، به‌ویژه در مورد متغیر اندازه‌ی شرکت که به‌وسیله‌ی لگاریتم فروش اندازه‌گیری شده است. در نتیجه پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی متغیرهای کنترلی پژوهش حاضر نیز با شیوه‌های دیگر اندازه‌گیری شود.

یادداشت‌ها

1. Overconfidence
 2. Restatement
 3. U S Government Accountability Office
۴. گفتنی است که تغییر در شخصیت واحد گزارشگر نیز تجدید ارائه‌ی صورت‌های مالی را در پی دارد؛ اما در پژوهش حاضر بررسی نمی‌شود.
5. White Lies
 6. Purple Delusion
 7. Grey Accounting Hocus Pocus
 8. Black Magic Fraud
 9. Optimism
 10. Expected Values and Variance of Projected Outcomes
 11. Projected Outcomes
 12. Over-Investment

منابع

الف. فارسی

- حسینی خوراسگانی، شیرین و دستگیر، محسن (۱۳۹۵). تجدید ارائه‌ی صورت‌های مالی و عوامل نظام راه‌بری مؤثر بر آن. *دانش حسابداری*، ۲۵، ۱۰۱-۱۲۱.
- خواجوی، شکراله و قدیریان آرانی، محمدحسین (۱۳۹۳). بررسی کیفیت سود شرکت‌های تجدید ارائه‌کننده‌ی صورت‌های مالی. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۳ (۴)، ۱۲۹-۱۴۷.
- خواجوی، شکراله؛ دهقانی سعدی، علی‌اصغر و گرامی شیرازی، فرزاد (۱۳۹۵). تأثیر خودشیفتگی مدیران بر مدیریت سود و عملکرد مالی. *پیشرفت‌های حسابداری*، ۸ (۲)، ۱۲۳-۱۴۹.
- خواجوی، شکراله؛ قدیریان آرانی، محمدحسین و فتاحی‌نافچی، حسن (۱۳۹۴). بررسی تأثیر ویژگی‌های هیئت‌مدیره بر تجدید ارائه‌ی صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۷ (۱)، ۷۰-۵۵.
- خواجوی، شکراله و قدیریان آرانی، محمدحسین (۱۳۹۴). بررسی تأثیر کیفیت سود بر تجدید

- ارائه‌ی صورت‌های مالی. پیشرفت‌های حسابداری، ۷ (۲)، ۸۹-۵۴.
- رامشه، منیژه و ملانظری، مهناز (۱۳۹۳). بیش‌اطمینانی مدیریت و محافظه‌کاری حسابداری. *دانش حسابداری*، ۵ (۱۶)، ۷۹-۵۵.
- ساعی، محمدجواد؛ باقرپور ولاشانی، محمدعلی و موسوی‌بایگی، سید ناصر (۱۳۹۲). بررسی فراوانی و اهمیت تجدید ارائه‌ی صورت‌های مالی. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۵ (۱)، ۸۶-۶۷.
- عبدالخلیق، رشاد و آجین‌کیا، بیپین. ب (۱۳۸۹). *پژوهش‌های تجربی در حسابداری: دیدگاه روش‌شناختی* (محمد نمازی، مترجم). شیراز: دانشگاه شیراز.
- عرب‌صالحی، مهدی و هاشمی، مجید (۱۳۹۳). تأثیر اطمینان بیش‌ازحد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۲ (۱)، ۱۰۴-۸۵.
- فروغی، داریوش و نخبه‌فلاح، زهرا (۱۳۹۳). تأثیر اطمینان بیش‌ازحد مدیریتی بر محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۶ (۱)، ۴۴-۲۷.
- نیکبخت، محمدرضا و رفیعی، افسانه (۱۳۹۱). تدوین الگوی عوامل مؤثر بر تجدید ارائه‌ی صورت‌های مالی در ایران. *مجله‌ی دانش حسابداری*، ۳ (۹)، ۱۹۴-۱۷۶.
- ودיעی، محمدحسین؛ باقرپور ولاشانی، محمدعلی و سیفی‌قبادی، حسین (۱۳۹۵). بررسی تأثیر خصوصی‌سازی بر تجدید ارائه‌های حسابداری. *دانش حسابداری*، ۲۵، ۷۸-۵۹.

ب. انگلیسی

- Abdul Khaliq, R., & Ajinkia, B. B. (2010). *Experimental research in accounting: methodological perspective*, Translator by Mohammad Namazi, Shiraz: Shiraz University. (In Persian)
- Abdullah, S. N., Mohamad Yusof, N. Z., & Mohamad Nor, M. (2010). Financial restatements and corporate governance among Malaysian listed companies. *Managerial Auditing Journal*, 25 (6), 526-552.
- Ahmed, A. & Duellman S. (2013). Managerial overconfidence and accounting conservatism. *Journal of Accounting Research*, 51 (1), 1-30.
- Akhigbe, A., Kudla, R. J., & Madura, J. (2005). Why are some corporate earnings restatements more damaging? *Applied Financial*

- Economics*, 15, 327-336.
- Allen, W. D. & Evans, A. D. (2005). Bidding and overconfidence in experimental financial markets. *The Journal of Behavioral Finance*, 6 (3), 108-120.
- An, Y. H. (2009). The effect of corporate governance on earnings quality: Evidence from Korea's corporate governance reform. Ph.D Dissertation, RMIT University.
- Arabsalehi, M., & Hashemi, M. (2015). The effect of managerial overconfidence on tax avoidance. *Accounting and Auditing Review*, 22(1), 85-104. (In Persian)
- Ben-David, I., Graham, J., & Harvey, C. (2007). Managerial overconfidence and corporate policies. AF A Chicago Meetings Paper, Available at: <http://ssrn.com/abstract=890300>.
- Bouwman, C. H. S. (2014). Managerial optimism and earnings smoothing. *Journal of Banking & Finance*, 41, 283-303.
- Brehmer, B. (1980). In one word: Not from experience. *Acta Psychologica*, 45, 223-241.
- Carcello, J., Neal, T., Palmrose, Z., & Scholz, S. (2011). CEO involvement in selecting board members and audit committee effectiveness. *Contemporary Accounting Research*, 28 (2), 396-430.
- Cohen, J., Krishnamoorthy, G., & Wright, A. (2002). Corporate governance and the audit process. *Contemporary Accounting Research*, 19 (4), 573-594.
- Cohen, J., Krishnamoorthy, G., & Wright, A. (2008). Form vs. substance: The implication for auditing practice and research of alternative perspectives on corporate governance. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 27 (2), 181-198.
- Connelly, M. (2005). *Auditing for internal fraud, chapter 1: The evolution of fraudulent activity and the response of the accounting profession*. American Institute of Certified Public Accountants (AICPA).
- Connelly, M. (2005). The evolution of fraudulent activity and the response of the accounting profession. In editor's name (Ed.). *Auditing for internal fraud*. Page numbers. NY: American Institute of

Certified Public Accountants.

- Desai, H., Hogan, C. E., & Wilkins, M. S. (2006). The reputational penalty for aggressive accounting: Earnings restatements and management turnover. *The Accounting Review*, 81 (1), 83-112.
- Ettredge, M., Huang, Y., & Zhang, W. (2012). Earnings restatements and differential timeliness of accounting conservatism. *Journal of Accounting and Economics*, 53, 489-503.
- Foroghi, D., & Nokhbeh Fallah, Z. (2014). The effect of managerial overconfidence on conditional and unconditional conservatism. *Journal of Financial Accounting Research*, 6(1), 27-44. (In Persian)
- Foster, G. (1986). *Financial Statement Analysis*. 2nd edition, New Jersey: Prentice Hall. Inc.
- Gertsen, F., Van Riel C., & Berens, G. (2006). Avoiding reputation damages in financial restatements. *Long Range Planning*, 39 (3), 429-456.
- Goel, A., & Thakor, A. (2008). Overconfidence, CEO selection, and corporate governance. *Journal of Finance*, 63 (6), 2737-2784.
- Government Accountability Office (2002). *Financial Restatements: Update of Public Company Trends, Market Impacts, and Regulatory Enforcement Activities*. Technical Report, United States Government Accountability Office.
- Hiller, N. J., & Hambrick, D. C. (2005). Conceptualizing executive hubris: The role of (hyper-) core self-evaluations in strategic decision-making. *Strategic Management Journal*, 26 (4), 297-319.
- Hoseini Khorasgani, S., & Dastgir, M. (2016). Restatement of financial reporting and factors affecting corporate governance. *Journal of Accounting Knowledge*, 7(25), 101-121. (In Persian)
- Hribar, P., & Jenkins, K. T. (2004). The effect of accounting restatements on earnings revisions and the estimated cost of capital. *Review of Accounting Studies*, 9(2-3), 337-356.
- Hribar, P., & Yang, H. (2016). CEO overconfidence and management forecasting. *Contemporary Accounting Research*, 33 (1), 204-227.

- Huang, Y. J. & Zhang, W. (2009). Earnings Restatements and Subsequent Accounting Conservatism. *Working Paper, Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1267240>*.
- Hvide, H. K. (2002). Pragmatic beliefs and overconfidence. *Journal of Economic Behavior and Organization*, 48, 15-28.
- Hwang, K., Cha, M. & Yeo, Y. (2014). Does managerial overconfidence influence on financial reporting? The relationship between overinvestment and conditional conservatism. *Review of Integrative Business and Economics Research*, 4 (1), 273-298.
- Khajavi, S., & Ghadirian Arani, M. (2016). Investigation of the impact of earnings quality on restatement of financial statements. *Journal of Accounting Advances*, 7(2), 59-84. (In Persian)
- Khajavi, Sh., Dehghani Sa'di, A., & Gerami Shirazi, F. (2017). CEO narcissism impacts on earnings management and financial performance. *Journal of Accounting Advances*, 8(2), 123-149. (In Persian)
- Khajavi, Sh., & Ghadirian Arani, M. (2014). Investigation of restating companies' earnings quality. *Empirical Research in Accounting*, 3(4), 129-147. (In Persian)
- Khajavi, Sh., Ghadirian Arani, M., & Fattahi Nafchi, H. (2015). Investigating of the Impact of Board Characteristics on Financial Restatement in Companies Listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Financial Accounting Research*, 7(1), 55-70. (In Persian)
- Larwood, L., & Whittaker, W. (1977). Managerial myopia: Self-serving biases in organizational planning. *Journal of Applied Psychology*, 62, 194-198.
- Lev, B. (2003). Corporate earnings: Facts and fiction. *Journal of Economic Perspectives*, 17 (2), 27-50.
- Lin, J. W., Hwang, M. I., & Li, J. F. (2004). A neural fuzzy system approach to assessing the risk of earnings restatements. *Issues in Information Systems*, 5 (1), 201-207.
- Malmendier, U., & Tate, G. (2008). Who makes acquisitions? CEO overconfidence and the market's reaction. *Journal of Financial*

- Economics*, 89 (1), 20-43.
- Nikbakht, M., & Rafiee, A. (2012). A model of effective factors in financial restatements in Iran. *Journal of Accounting Knowledge*, 3(9), 167-194. (In Persian)
- Nofsinger, J. R. (2001). *Investment Madness: How Psychology Affects your Invest in--and What to Do About It*. London: Pearson Education.
- Palmrose, Z. V. & Scholz, S. (2004). The circumstances and legal consequences of non-GAAP reporting: Evidence from restatements. *Contemporary Accounting Research*, 21 (1), 139-180.
- Ramsheh, M., & Molanzari, M. (2014). Managerial overconfidence and accounting conservatism. *Journal of Accounting Knowledge*, 5(16), 55-79. (In Persian)
- Richardson, S., Tuna, I., & Wu, M. (2002). Predicting Earnings Management: The Case of Earnings Restatement. *Working Paper*, Available at://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id = 338681, Available online 15 October 2011.
- Saei, M., Bagherpour Valashani, M., & Mosavi Baaighi, S. (2013). Restated financial statements: an empirical and descriptive study of the frequency and importance. *Journal of Financial Accounting Research*, 5(1), 67-86. (In Persian)
- Schranda, C. M., & Zechman, S. L. C. (2012). Executive overconfidence and the slippery slope to financial misreporting. *Journal of Accounting and Economics*, Volume 53 (1-2), 311-329.
- Thompson, J. H., & Larson, G. M. (2004). An analysis of restatements on financial reporting: Is the loss of investor confidence justified? *Research in Accounting Regulation*, Vol. 17, 67-85.
- Vadiei, M., Bagherpour Velashani, M., & Seyfi Ghobadi, H. (2016). Effects of Privatization on Accounting Restatements. *Journal of Accounting Knowledge*, 7(25), 59-78. (In Persian)
- Van der Steen, E. (2004). Rational overoptimism (and other biases). *American Economic Review*, 94 (4), 1141-1151.
- Wu, M. (2002). Earnings restatements: A Capital Market Perspective.

Working Paper, Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1844265>.